

سال صفر

جستارهای علمی و تاریخی در بارهٔ افغانستان و بلوچستان

قاسم سیاه

www.ketab.ir

سرشناسه: سیاستر، قاسم- ۱۳۴۸

عنوان و نام پدیدآور: سال صفر /

جستارهایی پیرامون سیستان و بلوچستان / قاسم سیاستر

مشخصات نشر: زاهدان، انتشارات لوار، ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری: (۲۰۳) ص. : نمونه

شابک: ۹-۶-۹۹۸۷۲-۹۷۸-۶۰۰

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه

عنوان دیگر: جستارهایی پیرامون سیستان و بلوچستان

موضوع: ایران، سیستان و بلوچستان

تاریخ -- ۱۳۰۴-۱۳۵۷ -- مقاله ها و خطابه ها

sistan and Baluchestan (iran)

History -- 1925 -1978

Addresses, essays, lectures

ایران -- تاریخ -- ۱۳۰۴-۱۳۵۷ -- مقاله ها و خطابه ها

Iran-- History -- Pahlavi, 1925 - 1978

Addresses, essays, lectures

رده بندی کنگره: DSR ۲۰۲۹

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۷۴

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۶۸۰۷۲



www.ketab.ir

جستارهایی پیرامون سیستان و بلوچستان

قاسم سیاستر

طراح جلد و صفحه آرا: میر صوفی عرب زاده

چاپ: پردیس دانش

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۴۰۰

قیمت: ۶۰۰۰۰۰ ریال

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر لوار است.

شابک: ۹-۶-۹۹۸۷۲-۹۷۸-۶۰۰

نشانی: نشر لوار/زاهدان خیابان مولوی/مولوی ۱۲/پلاک ۶

شماره تماس: ۰۹۱۵۷۳۰۱۳۳۷-۰۹۲۱۵۷۴۱۷۷۸

Email: nashr.lawar@gmail.com

سال صفر

- ۹ سال صفر / یک هزار و سیصد خورشیدی، سال وقوف سیستانی‌ها به واپس ماندگی
- ۱۷ مجمع نشر معارف سیستان
- ۳۹ کاشف الحقایق
- ۴۵ آس‌یاد، نام‌نمایی برای امروز
- ۵۱ گلشن علم و ادب، قدیمی‌ترین انجمن فرهنگی - ادبی سیستان و بلوچستان
- ۶۱ جای خالی گونه‌های مدرن ادبی در سیستان و بلوچستان
- ۶۵ گچی درباره‌ی استاد غلامرضا عمرانی به بهانه‌ی انتشار «آسوکه»
- ۷۳ نقش نظامیان در شکل‌گیری و گسترش آموزش و پرورش جدید در سیستان و بلوچستان
- ۹۱ مواجهه‌ی سیستان و بلوچستان با تجدد آمرانه‌ی رژیم پهلوی
- ۱۰۳ نقش آموزش بر مبنای تعلیمات نوین در پیدایش مفهوم جدید «قوم» در سیستان و بلوچستان
- ۱۱۹ دولت مدرن، زاهدان، نظام جدید اداری
- ۱۶۱ سیستان و بلوچستان در شروع نهضت امام خمینی
- ۱۷۵ سفر رضاشاه به سیستان، دزداب و خاش به روایت استاد
- ۱۸۷ سیستانی‌ها و جنبش مشروطه‌خواهی

www.ketab.ir

اواخر روزگار قاجار، کشور ما از هکثیر نفوذ و رسوخ تجدد به چند شهر بزرگ و مرکزی، به فضای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جدیدی گام نهاد. رواج اندیشه‌های نوگرایانه، که موضوع بی سابقه‌ای در تاریخ کشور ما بود، به مثابه‌ی پرسشی بنیادی و سهمناک ظاهر شد که سنت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایرانی - اسلامی را به پرسش و فراتر از آن به چالش گرفت. پرسش مزبور از خارج و به طور مشخص غرب، فراروی سنت فرهنگی ایرانی - اسلامی قرار گرفت و چون سنت مزبور به انحطاط دچار شده بود فاقد امکانات لازم برای یافتن پاسخی بنیادی برای این پرسش بود؛ به همین دلیل کشور ما به ورطه‌ی بحرانی عمیق در غلطید. بحران مزبور که همه‌ی عرصه‌های حیات اجتماعی ما را فراگرفت، بیشتر در چند شهر مرکزی ایران به ویژه تهران و تبریز، به شیوه‌ای عینی بروز و ظهور پیدا کرد و این شهرها را به کانون اصلی تحولات و رویدادهای جدید تبدیل نمود. وضع در حالی بدین منوال پیش رفت که ایالات و ولایات دیگر به ویژه آنان که از مرکز سیاسی - اداری کشور فاصله‌ی بیشتری داشتند، چون سنت حاکم بر آنها با این بحران و این پرسش بنیادی درگیر نشد، در آرامش و سکون ناشی از بی خبری و ناآگاهی به حیات خویش ادامه دادند و بعضاً از این تحولات بنیادی و بی سابقه که در مرکز کشور در حال وقوع بود باخبر هم نشدند.

در مرکز کشور در طول ۲۰ سال، یعنی از حدود ۱۲۸۵ تا ۱۳۰۴ش، به آن پرسش بحران ساز و هستی سوز پاسخ های گوناگونی داده شد که مجال طرح و بررسی آن ها در این نوشتار نیست. روندی که با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ش آغاز و به تکوین سلطنت پهلوی در سال ۱۳۰۴ش انجامید، از جمله آخرین پاسخ هایی بود که به آن پرسش اساسی داده شد. پاسخ حکومت پهلوی به پرسش مورد نظر، روایت خاصی از تجدد بود که به آن جامه ای از آمریت پوشانده بودند. به تعبیر ساده تر، رضاشاه و حلقه سیاست گزاران پیرامونش، سعی کردند آمرانه و نظامی وار، به جدالی که بیش از چند دهه بین نخبگان و روشنفکران ایرانی در گرفته بود پایان بخشند و پاسخ خود به آن پرسش بنیادی را بر همگان تحمیل کنند: این پاسخ روایت خاصی از تجدد بود. در این روایت از تجدد، مرکزگرایی در همه ی ابعاد آن، جایگاه ویژه ای داشت. نتیجه اینکه بعد از وقوع کودتا سوم اسفند ۱۲۹۹ش و تکوین سلسله پهلوی، رضاشاه سعی کرد روایت خاصش از تجدد را به همه ی مناطق کشور تسری دهد. این روایت که بر کرسی حکومت تکیه زده بود و از امکانات و قابلیت های دولت بهره می گرفت، هرچند شیوه ی گسترش آن به ولایات با آمریت و تحکم همراه بود اما به جز مواردی که با روح شریعت ناساز و ناهماهنگ می شد در سکون و آرامش این مناطق چندان رخنه نکرد. سنت های فرهنگی و اجتماعی این مناطق نیز که صورتی از سنت کهن ایرانی - اسلامی بودند، با وجود پیشینه ی دیرپا و دراز دامنی که داشتند، اما سخت به انحطاط و زوال دچار شده و از رمق افتاده بودند. به عبارت دیگر سنت های موجود در این مناطق، حاملان آن ها و مراجع سنتی آن قدر گرفتار سستی و ضعف بودند که توان مقابله با تجدد روزگار پهلوی را در خود نمی دیدند؛ آن هم تجددی که از سوی حکومت پهلوی پشتیبانی می شد و توانسته بود بر سنت بسیار نیرومندتر موجود در مناطق مرکزی ایران و حاملان و مراجع مقتدر آن ها فائق آید و یا حداقل خاموش شان کند.

کوتاه سخن اینکه از منظر تاریخ نگاری مرکزگرا، در دوره ی پهلوی نبض تحولات ایران در مرکزیت سیاسی - اداری کشور می تپید و شهرها و ولایات دورتر چندان درگیر این رویدادها نبودند. با این رویکرد تاریخی، مرکزگرایی اعمال شده از سوی رضاشاه و جانشینش، مجالی برای عرض اندام این ولایات دورتر از جمله سیستان و بلوچستان نگذاشته بود. برخلاف پندار تاریخ نگاران مرکزگرا،

مردم مناطقی مانند سیستان و بلوچستان در برابر تجدد مورد نظر پهلوی‌ها، آنقدرها هم خاموش و بی‌تحرک نبودند و به شیوه‌ی خاص خودشان در برابر آن واکنش نشان دادند.

مقالات و مطالب منتشره در این کتاب به روشنی مویید این مدعاست که در ولایات دور افتاده‌ای همچون سیستان و بلوچستان از همان بحبوحه‌ی جنبش مشروطه‌خواهی و در پیوند با آن جنبش، تکاپوهای قابل‌اعتنایی به ظهور رسیده است. این رویدادها گاه چنان جدی و در نوع خود کم‌نظیر هستند که با تکیه بر آن‌ها می‌توان برخی از مواضع بنیادی تاریخ‌نگاری مرکز محور را به چالش گرفت. از یاد نبریم تا زمانی که رخدادهای مناطق دور از مرکز دست کم طی صد سال اخیر مورد غور و بررسی قرار نگیرند، تصویر ما از تحولات این دوره‌ی حساس و سرنوشت ساز تاریخ ایران، تصویر ناقصی خواهد بود.

مقالات و مطالب منتشره در این کتاب حاصل تأملات نگارنده در بیست سال اخیر است. برخی از آن‌ها در نشریات کشوری و استانی منتشر شده‌اند؛ اما شماری از آن‌ها که به تقریب نیمی از حجم کتاب را دربر گرفته‌اند، جدید هستند و تاکنون منتشر نشده‌اند. در مقالات و مطالبی هم که پیش از این در نشریات چاپ شده، بازنگری شده و با تغییرات و اصلاحاتی به چاپ رسیده است. در این کتاب برخی از رویدادها و تحولات سیستان و بلوچستان در فاصله‌ی زمانی انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفته؛ زوایای ناشناخته‌ای که پیش از این مورد توجه و امعان نظر واقع نشده است. وظیفه‌ی خود می‌دانم از علی‌شاهمرادی ویراستار این اثر و ناصر نخزری مقدم‌ناشر کتاب سپاسگزاری کنم.

قاسم سیاسر

زاهدان ۹۹/۱۰/۷